

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

## وادی مقدّس

سفرنامه ششمین سفر عتبات عالیات عراق  
اردیبهشت ۱۳۹۰ = جمادی الأولى ۱۴۳۲

تألیف:

هادی نجفی



## فهرست

- مقدمه ..... ۵
- یکشنبه ۱۳۹۰/۲/۴ = ۱۴۳۲/۵/۲۰ ..... ۷
- اقامه مجلس عزای فاطمه زهرا سلام الله علیها و مراسم چهلم مرحوم آیه الله سید حسن فقیه امامی در مسجد نو بازار - رسیدن جلد چهارم کتاب **الآراء الفقهية** - اولین جلسه متولیان حسینیه اصفهانی ها در مشهد مقدس در منزل صاحب سفرنامه - رسیدن کتاب **نقد فلسفه داروین** از تهران - القاء درس در مدرسه - رفتن به فرودگاه - امامت نماز ظهر و عصر در فرودگاه اصفهان - حرکت به سمت بغداد با دو ساعت تأخیر - رفتن از فرودگاه بغداد به نجف اشرف - ورود به هتل - صرف شام و حرکت به سمت حرم امیرالمؤمنین علیه السلام و زیارت آن بزرگوار.
- دوشنبه ۱۳۹۰/۲/۵ = ۱۴۳۲/۵/۲۱ ..... ۹
- زیارت حضرت امیر علیه السلام - دیدار با آقای دکتر شیخ عباس کاشف الغطاء در مدرسه مهدیه - ملاقات با آیه الله سیستانی - نماز ظهر در حرم مطهر - رفتن به زیارت کمیل بن زیاد و مسجد سهله و اعمال آن - دیدار شیخ عمار کاشف الغطاء و شیخ حیدر کرباسی با صاحب سفرنامه - ملاقات با آیه الله شیخ حسین بشیر نجفی در معیت سرکنسول ایران در نجف اشرف - ملاقات با آیه الله شیخ محمدامین مامقانی - بازگشت به هتل نیمه شب
- سه شنبه ۱۳۹۰/۲/۶ = ۱۴۳۲/۵/۲۲ ..... ۱۵
- امامت نماز صبح در صحن حرم امیرالمؤمنین علیه السلام برای بانوان - زیارت حضرت امیر علیه السلام - زیارت میثم تمار - اعمال مسجد کوفه - زیارت مسلم بن عقیل و مختار بن ابی عبیده ثقفی - زیارت هانی بن عروه - خواندن نماز ظهر و عصر تماماً در مسجد کوفه - دیدار شیخ محمد کرباسی و سرکنسول ایران و فرزندش و شیخ احمد و شیخ علی کاشف الغطاء با صاحب سفرنامه
- چهارشنبه ۱۳۹۰/۲/۷ = ۱۴۳۲/۵/۲۳ ..... ۱۷
- نماز صبح در حرم مطهر و زیارت وداع امیرالمؤمنین علیه السلام - حرکت به سمت کربلا - زیارت ابراهیم و محمد فرزندان مسلم بن عقیل در مسیب - توضیحی پیرامون مرقد منسوب به عون بن عبدالله بن جعفر در نزدیکی کربلا - ورود به هتل و اقامه نماز و صرف نهار - زیارت ابوالفضل العباس علیه السلام و امام

حسین علیه السلام عصرهنگام - زیارت حبیب بن مظاهر اسدی و بقیه شهدای کربلا و ابراهیم مجاب نوه  
موسی بن جعفر علیه السلام - خواندن نماز مغرب و عشاء در صحن حسینی

پنجشنبه ۱۳۹۰/۲/۸ = ۱۴۳۲/۵/۲۴ ..... ۱۸

زیارت امام حسین علیه السلام و ابوالفضل علیه السلام صبحگاه - رفتن به نمایندگی سازمان حج و زیارت - خرید  
چند جلد کتاب از کتابفروشی صحن حضرت ابوالفضل علیه السلام - زیارت حرم ابوالفضل علیه السلام در شب  
جمعه و حضور در کتابخانه عتبه عباسیه و ملاقات با رئیس آن - خواندن نماز مغرب و عشاء در  
صحن عباسی - ملاقات با آقای سرکنسول در صحن و کتابخانه عتبه عباسیه - زیارت امام حسین علیه السلام  
در شب جمعه

جمعه ۱۳۹۰/۲/۹ = ۱۴۳۲/۵/۲۵ ..... ۲۰

زیارت عتبه عباسیه و حسینیه صبحگاه - جمع آوری وسایل - زیارت وداع ابوالفضل علیه السلام و امام  
حسین علیه السلام در عصر

شنبه ۱۳۹۰/۲/۱۰ = ۱۴۳۲/۵/۲۶ ..... ۲۳

خواندن نماز صبح در هتل و حرکت به سمت شهر سامرا - زیارت امامین هادیین علیه السلام و  
زیارت مادر امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف و عمه امام حسن عسکری علیه السلام - نقدی بر آیین  
وهابیت و حکم باطل برخی از مفتیان این آیین ساختگی مبنی بر وجوب تخریب حرم‌های مطهر  
ائمہ معصومین علیهم السلام - وجود گنبد در قرن اول هجری بر قبور عباس عموی پیامبر صلی الله علیه و آله و امام حسن  
مجتبی علیه السلام - وجود گنبد در مقابر قریش قبل از دفن موسی بن جعفر علیه السلام در قرن دوم هجری - ساختن  
گنبد بر قبر مطهر موسی بن جعفر علیه السلام در قرن سوم هجری - ساختن گنبد توسط هارون خلیفه عباسی  
بر قبر مطهر امیر المؤمنین علی علیه السلام در قرن دوم هجری - رفتن به سمت «بلد» و زیارت سید محمد  
فرزند امام هادی علیه السلام - حرکت به سمت کاظمین و زیارت امامین کاظمین جوادیین علیهم السلام - کلام شیخ  
دهلوی در اللمعات در نقل از شافعی درباره قبر موسی بن جعفر علیه السلام - خواندن فاتحه بر مزار شیخ  
مفید و استادش ابن قولویه و خواجه نصیرالدین طوسی و فرهاد میرزا - اقامه نماز مغرب و عشاء در  
صحن کاظمی - نزول باران رحمت الهی - رفتن به هتل در شهر بغداد و استراحت

یکشنبه ۱۳۹۰/۲/۱۱ = ۱۴۳۲/۵/۲۷ ..... ۲۳

اقامه فريضه صبح در هتل - حرکت به سمت فرودگاه بغداد - پرواز به سمت اصفهان با سه ساعت  
تأخیر - ورود به فرودگاه اصفهان و رسیدن به سلامتی به منزل

## بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

### مقدمه

این سفرنامه را تبرکاً و تیمناً در حرم حسینی علیه السلام در شب جمعه ۹ اردیبهشت ۱۳۹۰ برابر با ۲۵ جمادی الأولى ۱۴۳۲ شروع می‌کنم. اکنون ساعت حدود ۹ شب است و بعد از گذشت ۵ روز از شروع سفر و با استخاره به قرآن کریم و آمدن این کریمه: ﴿ذَلِكَ بِأَنَّ اللَّهَ هُوَ الْحَقُّ وَأَنَّهُ يُحْيِي الْمَوْتَىٰ وَأَنَّهُ عَلَىٰ كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ﴾ این سطور را می‌نویسم.

به این امید که در آن درسی از گذشتگان باشد و چراغی فراراه آیندگان.

و یادی از ما باز ماند، که دنیا را نمی‌بینم قراری.

و شاید خواننده این سطور طلب مغفرتی در حق کاتبش نماید که موجب مغفرت ذات ربوبی از این عبد گریزی پای گردد و شفاعت موالیانش علیهم السلام که به زیارت آنها طی طریق نموده است نصیبش شود.<sup>۲</sup>

آمین یا رب العالمین

---

۱. سورة الحج / ۶۱.

۲. از استاد علی زاهدپور که ویرایش نهائی این اوراق را برعهده گرفتند و آقایان مهدی رضوی و حجة الإسلام مهدی باقری به خاطر تخریج برخی از مصادر تشکر می‌کنم.

﴿إِنِّي أَنَا رَبُّكَ فَأَخْلَعُ نَعْلَيْكَ إِنَّكَ بِالْوَادِ الْمُقَدَّسِ طُوًى﴾

(سورة طه / ١٢)

- وفي خبر الربيعي عن أبي عبد الله عليه السلام أنه قال:  
شاطئ الوادي الأيمن الذي ذكره الله في القرآن  
هو الفرات و البقعة المباركة هي كربلا.

[كامل الزيارات / ١٣٩، باب ١٣]

[مزار الشيخ المفيد / ١٥، ح ١]

[التهذيب / ٣٨/٦، ح ٨٠]

[وسائل الشيعة / ٤٠٥/١٤، ح ٤]

[مستدرک الوسائل / ٢٠٣/١٧، ح ٥]

- وقال الطبرسي: «البقعة المباركة» هي البقعة التي قال فيها لموسى:

﴿اخلع نعليك إِنَّكَ بِالْوَادِ الْمُقَدَّسِ طُوًى﴾

[مجمع البيان / ٢٥١/٧]

### یکشنبه ۱۳۹۰/۲/۴ = ۱۴۳۲/۵/۲۰

یکشنبه گذشته ۱۳ جمادی الأولى ۱۴۳۲ / ۲۸ فروردین ماه، در مسجد نوبازار مجلس عزای فاطمه زهرا سلام الله علیها را اقامه و به همراه آن، مجلس چهلم مرحوم آیه الله سید حسن فقیه امامی رحمته الله را نیز برگزار کردم. در این مجلس فرزندان آن مرحوم و بیت شریفش نیز حضور داشتند و مورد استقبال اهل علم و علماء و فضلاء و متدینین واقع گردید و ظهر آن روز چند هزار نفر در مسجد اطعام شدند.

روز چهارشنبه ۳۱ فروردین / ۱۶ جمادی الأولى جلد چهارم کتابم *الآراء الفقهية - قسم البیع (۱)* که تازه در قم مقدس نشر شده بود به دستم رسید.

روز پنجشنبه ۱ اردیبهشت / ۱۷ جمادی الأولى مجلس متولیان حسینیة اصفهانیها در ارض اقدس رضوی، در منزل حقیر منعقد گردید، که چون اولین جلسه در منزل بنده بود، به صرف صبحانه برگزار کردم.

در این جلسه حضرات آقایان: حاج شیخ مهدی فقیه ایمانی، حاج شیخ مهدی مظاهری<sup>۱</sup>، حاج سید مرتضی هاشمی، حاج شیخ عبدالجواد عبدالهی و حاج شیخ احمد ناصری دامت برکاتهم حاضر بودند.

آیه الله حاج شیخ محمد ناصری دامت برکاته شب گذشته عذرخواهی کردند که مسافر قم هستند و با مراجع قرار ملاقات دارند.

آیه الله سید عبدالحسین روضاتی دامت برکاته نیز در جمعه گذشته به عتبات

---

۱. جهت شرح حال ایشان رجوع شود به اعلام اصفهان ۵۰۰/۲ و مقدمه فهرست نسخه‌های خطی آیه الله سید حسن فقیه امامی (۱۶-۷) به قلم نوه ایشان آقای سید محمدرضا شفتی و مجله آینه پژوهش، ع ۱۲۷/۱۲۱، فروردین و اردیبهشت ۱۳۹۰ به قلم حجة الاسلام ناصرالدین انصاری قمی.

۲. شرح حال وی را در سه سفرنامه، میقات ۳۴/ نوشته‌ام.

عالیات مشرف شده‌اند.

مرحوم آیه‌الله سید حسن امامی رحمته‌الله نیز به جوار رحمت حق پیوسته و در بهشت مسکن گزیده‌اند. این هشت نفر به علاوه حقیر - که میزبان بودم - جمعاً ۹ نفر متولیان حسینیّه اصفهانی‌ها در مشهد مقدس هستیم.

البته در این مجلس به دعوت حقیر آیه‌الله حاج شیخ محمدتقی مجلسی<sup>۱</sup> مدظله نیز که از مراجع تقلید معاصر و صاحب کرسی درس خارج فقه در مدرسه صدر بازار هستند، تشریف آوردند.

قصد دارم ایشان را به جای مرحوم آیه‌الله امامی قرار دهم و بقیه اعضا نیز اعلام موافقت کرده‌اند، فعلاً منوط به قبول ایشان است، ولی هنوز نپذیرفته‌اند. شاید به اصرار حقیر و دوستان اجابت فرمایند، که بالمآل مورد پذیرش قرار نگیرد.

بعد عدم پذیرش آیه‌الله مجلسی متولیان محترم مجدداً از آیه‌الله سید مرتضی مستجاب الدعواتی دعوت نمودند که همانند دو دهه قبل به امر تولیت اقدام فرمایند و ایشان دوباره به جمع متولیان حسینیّه اصفهانی‌ها در ارض اقدس رضوی پیوستند. روز شنبه ۳ اردیبهشت / ۱۹ جمادی الاولی دو درس خارج اصول و فقه خود را القاء نمودم.

کتاب نقد فلسفه داروین مرحوم جدّم ابی‌المجد که اخیراً کتابخانه مجلس شورای اسلامی در تهران به ریاست محقق توانا حجة الاسلام آقای حاج شیخ رسول جعفریان<sup>۲</sup> دامت برکاته - که از دوستان حقیر است - چاپ کرده است، در چند نسخه برای بردن به نجف اشرف به دستم رسید.

امروز یکشنبه ۴ اردیبهشت ۱۳۹۰ / ۲۰ جمادی الاولی ۱۴۳۲ق، پگاه بعد از نماز به جهت تدریس از منزل خارج شدم.

دو درس خارج اصول و فقه‌ام را گفتم، والده که در این سفر همراهند به مسجد آمدند و با تاکسی با هم به فرودگاه اصفهان رفتیم.

در این سفر به جز ایشان، همسر و علی فرزندانم و آذر که از دوستان همسر

۱. جهت شرح حال وی نگر: اعلام اصفهان ۲/۲۱۸.

۲. جهت شرح حال وی نگر: اعلام اصفهان ۳/۷۲.

است و به وی در امور منزل کمک می‌کند همراه است. در آخرین لحظات ثبت‌نام، یکی از طلبه‌های محترم به نام آقای حسن فاضل که نجف‌آبادی است و سابقاً در مدرسه ما حجره داشت به حجره من آمد و همسفر ما شد.

پرواز می‌بایست ساعت ۱۲/۴۵ حرکت کند که طبق معمول با تأخیر و پس از دو ساعت انتظار انجام شد.

در فرودگاه اصفهان و در پرواز ما، ۷ کاروان حضور داشتند که هر کاروان تقریباً ۳۵ زائر دارد و یک مدیر و یک مداح یا روحانی.

مدیر کاروان ما آقای محمود فاضلی از مدیران با سابقه حج تمتع است که یک مداح به نام آقای حسن امینی را انتخاب کرده است؛ و حقیر در کاروان زائر هستم.

هزینه سفر هر زائر ۵۹۶۰۰۰ تومان و خروجی فرودگاه اصفهان ۲۵۰۰۰ تومان است. بنابراین جمع هزینه سفر حدود ۶۲۱۰۰۰ تومان می‌شود.

ظهر در فرودگاه اصفهان نماز ظهر و عصر را قصرأً به پیشنهاد روحانیون محترم کاروان‌ها امامت نمودم و عازم شدیم.

ناهار در هواپیما صرف شد. کمتر از دو ساعت در پرواز بودیم که به فرودگاه بغداد رسیدیم.

بعد از ثبت ورود به عراق و تحویل اثاث، رأساً با اتوبوس عازم نجف اشرف شدیم و حوالی ساعت ۹ شب به هتل صفین واقع در آخر شارع سدیر مقابل نادی الموظفين وارد شدیم.

نماز را در هتل خواندم. سریعاً شام را که آماده بود صرف کردیم و در حالی که باران رحمت الهی می‌بارید عازم زیارت امیرالمؤمنین علی بن ابی طالب علیه السلام شدیم.

مادر را با ویلچر بردیم و بقیه همراهان پیاده. حدود ۱۵ الی ۲۰ دقیقه پیاده راه طی کردیم تا به حرم مطهر رسیدیم. زیارتی در داخل حرم قرائت کردیم و حدود ساعت ۱۱/۵ که درب حرم مطهر بسته می‌شود از حرم خارج شده و به هتل بازگشتیم. بعد از نیمه شب بود که استراحت کردیم.

### دوشنبه ۱۳۹۰/۲/۵ = ۱۴۳۲/۵/۲۱

صبح بعد از صرف صبحانه به حرم امیرالمؤمنین علیه السلام مشرف شدم. بعد از زیارت مولی الموالی سلام الله علیه به زیارت مرقد مطهر مرحوم جد آیه الله حاج شیخ محمدحسین نجفی صاحب تفسیر و برادرش مرحوم آیه الله حاج شیخ محمدعلی و سایر مدفونین<sup>۱</sup> رحمة الله عليهم اجمعین در حجره شماره ۳ رفتیم.

پس از آن به کتابخانه روضه حیدریه رفتیم و با آقای سید هاشم میلانی رئیس آن ملاقات کردم و دو کتاب نقد فلسفه داروین و الآراء الفقهية (ج ۴) را تقدیم نمودم. پس از آن طبق قرار قبلی، به مؤسسه کاشف الغطاء جنب مدرسه مهدیه رفتیم و در مدرسه با آقای دکتر شیخ عباس کاشف الغطاء ملاقات کردم. وی به گرمی استقبال کرد و معترض بود که چرا این بار به همراه کاروان آمده‌ام و مانند دو سال پیش آزاد مسافرت نکرده‌ام؟

در پاسخ گفتم: این بار اراده الهی چنین تعلق گرفته و این ثبت نام را فرزندم علی بدون اطلاع من کرده است؛ و وقتی دانستم عازم شدم.

تا گرم صحبت بودیم آقای شیخ محمد کرباسی نیز آمد.

این دو گفتند به همراه شیخ احمد فرزند شیخ عباس روز دوشنبه ۱۲ اردیبهشت عازم تهران هستند تا در همایش روابط و پیوندهای ایران و عراق که کتابخانه مجلس شورای اسلامی برگزار می‌کند شرکت کنند.

ظاهراً حدود یکصد و پنجاه نفر از عراق دعوت شده‌اند که بیش از شصت نفر از آنها از نجف اشرف هستند.

به همراه شیخ محمد کرباسی، به جهت دیدار آیه الله العظمی آقای سید علی سیستانی مرجع اعلی شیعیان مد ظله که در نجف اشرف زندگی می‌کند عازم بیت شریف وی شدیم در حالی که هیچ قرار قبلی نداشتیم.

شیخ محمد کرباسی می‌گفت: شیخنا من دون موعد کیف تحصل الملاقاة؟

جواب گفتم: نتوکل علی الله، نحن لسنا سلاطین، طالب علم یرید یزور فقیهاً و هذا لا

یحتاج إلی موعد.

۱. اسامی آنها را در طور سینا ۱۲۶/ مطبوع در سه سفرنامه گزارش کرده‌ام.

کم‌تر از ساعتی مانده به ظهر به بیت ایشان رسیدیم.

آقای شیخ محمّد کرباسی با آقازاده مکرم ایشان ملاقات کرد و خبر آمدن حقیر را داد، بلافاصله گفته بود تشریف بیاورند.

حقیر و فرزندم علی به همراه جوان طالب علمی که با ما همراه است - آقای حسن فاضل - و شیخ محمّد کرباسی به خدمت ایشان رسیدیم. بیش از ۳۵ دقیقه در محضرش بودیم.

در آغاز ملاقات دو کتاب نقد فلسفه داروین از مرحوم جدّم اَبی‌المجدّب و جلد چهارم الآراء الفقهیة - قسم البیع (۱) را خدمتشان تقدیم کردم؛ از هر دو کتاب ذکری جمیل نمود.

پس از آن از اوضاعی که در ایران می‌گذرد ابراز نگرانی کرد. از گفته‌های اخیر برخی پیرامون سید خراسانی و شعیب بن صالح و گفتن یا علی در حین ولادت و امثال آن سخت متأثر بود و اظهار ناراحتی می‌کرد.

می‌فرمود: در رسانه‌های خارجی این کلمات به استهزاء گرفته می‌شود. می‌فرمود: اگر همه امور زیر نظر دقیق است که با استعفای یک وزیر مخالفت می‌شود، پس چگونه است که نسبت به این مسائل یا وضعیت حجاب و عفاف و غیر آن سکوت می‌شود؟! می‌فرمود: اگرچه هرگز تأیید نکرده‌ام و لکن مصلحت را در معارضه و مخالفت نیز نمی‌بینم؛ زیرا هرگونه مخالفتی به نفع بیگانگان و دشمنان خارجی تمام می‌شود.

پس از آن قدری از عملکرد خود در عراق گفت که ما نیز با آمریکا و اشغال‌گران مخالفت کردیم و لکن نه به طریقه ایران، بلکه با برگزاری انتخابات که آمریکایی‌ها زیر بار نمی‌رفتند و بالاخره مجبور به پذیرش آن شدند؛ و در نتیجه شیعیان [بعد از گذشت هزار سال] در بغداد و عراق به حکومت رسیدند.

و فرمود: هرچه از شیعیان کشتند من گفتم خویشتن داری کنند و حتی اخذ به ثار نیز نکنند، با این که در عشایر اخذ به ثار متداول است.

و در هر صورت از نزاع و جنگ بین شیعه و سنی جلوگیری کردم و به این وسیله فتنه را خاموش نمودم.

از وی پرسیدم که گزیده‌ای از ترجمه تفسیر مرحوم جد آیه‌الله حاج شیخ محمدحسین نجفی اصفهانی متوفی ۱۳۰۸ق آماده چاپ است، آیا اجازه می‌فرمایید برخی از کرامات ایشان را در این مقدمه ذکر کنیم؟  
جواب داد: از نوشتن کرامات خودداری کنید، مگر آنچه برای علمای سلف چون شیخ اعظم انصاری رحمته‌الله و مانند آن ذکر شده است.  
ایشان همچنین از اینکه بازار کرامات‌سازی و معجزه‌تراشی رونق یافته است سخت نگران بود.

نیز از پاره‌ای دست‌اندازی‌ها به حوزه‌های علمیه و از برخی از شیوه‌های تحصیل نیز نگران بود و این رشد کمی حوزه‌ها را نوعی سیاست وقت و همراهی با آن می‌دانست.

پس از آن از رفاقت و صمیمیت خودش با مرحوم آیه‌الله امام خمینی رحمته‌الله سخن گفت و فرمود: در عین حالی که شاگرد مرحوم آیه‌الله خوئی رحمته‌الله بودم، با ایشان نیز روابط حسنه‌ای داشتم.

و در یکی از ملاقات‌ها ایشان (امام خمینی) از من خواستند آیه‌الله خوئی را همراه کنم تا با هم حرکتی را آغاز کنند، پاسخ گفتم: شما از اختلاف سلیقه و روش و منش بین علما مطلع هستید، اختلاف بین مشروطه و مستبد را می‌دانید و آراء هم متعدد است. من نیز اگرچه شاگرد ایشان هستم، ولی از مشاورین محسوب نمی‌شوم؛ و به فرض از مشاورین باشم، یکی از آنها هستم. و ایشان نظر همه را می‌پرسند و ...  
سپس گزارشی از مدرسه تخصصی فقه و اصول در اصفهان ارائه کردم، و برای خود و فرزندم درخواست دعا نمودم. و با معظم له خداحافظی کرده، اتاق را ترک کردیم.

این ملاقات بیش از ۳۵ دقیقه به درازا کشیده بود و نزدیک اذان ظهر بود. بعد از بلند شدن دیدم قدرت راه رفتن ندارم؛ چون به احترام ایشان که دو زانو نشسته بودند من نیز دو زانو نشستم، و چون عادت به این‌گونه نشستن نداشتم، پاهای من خواب رفته بود و حرکت برایم مشکل بود.

دستم را بر شانه فرزندم و آقای فاضل گذاشتم و چند قدم حرکت کردم تا از اتاق

خارج شدم. بیرون اتاق چند لحظه صبر کردم تا قدرت راه رفتن را باز یافتم. با آقازاده ایشان آقای حاج سید محمدرضا خداحافظی نموده، عازم حرم مطهر شدیم. نماز را در حرم مطهر خواندیم و به هتل برگشته، نهار خوردیم و ساعت ۳ بعدازظهر به زیارت کمیل بن زیاد نخعی از یاران شهید امیرالمؤمنین علیه السلام رفتیم و در سرداب آنجا به سر مزار مرحوم آیه الله شیخ محیی الدین مامقانی رحمته الله نیز حاضر شده، او را به فاتحه ای یاد کردیم.

پس از آن به جهت اعمال مسجد سهله به آنجا رفتیم و پس از زیارت همه مقامات، بعد از نماز مغرب و عشاء به هتل بازگشتیم.

سریعاً شام خوردیم. بعد از شام به جهت قراری که داشتم آماده حرکت بودم که آقایان شیخ عمار کاشف الغطاء نوّه آیه الله شیخ محمّدحسین کاشف الغطاء و شیخ حیدر کرباسی، برادر شیخ محمّد و سبط آیه الله شیخ علی کاشف الغطاء در هتل به دیدن من آمدند.

آقایان را به شام دعوت نمودم. آنها مشغول شام شدند که راننده آقای دکتر شیخ عباس آمد و ما را برای قرار ملاقات برد.

ملاقاتمان ساعت ۹ شب با آیه الله حاج شیخ حسین بشیر نجفی<sup>۱</sup> مد ظله است. سرکنسول ایران در نجف اشرف - آقای حاج محمّد حسن آقا محیی الدین نجفی - نیز که از اقوام و بستگان هستند اظهار تمایل کردند در این ملاقات حاضر باشند. به منزل آیه الله شیخ بشیر نجفی که رسیدیم، دیدم ایشان نیز با فرزندش حجة السلام آقای حاج شیخ جمال الدین نجفی حفظهما الله تعالی و همراهانشان حاضر هستند.

بلافاصله داخل منزل شدیم و با آیه الله شیخ بشیر نجفی ملاقات نمودیم. چند دقیقه نشسته بودیم و مشغول سخن گفتن، که آقای شیخ محمّد کرباسی نیز وارد شد.

آیه الله شیخ بشیر بعد از احوال پرسی به زبان فارسی، چون پاکستانی الاصل است و فارسی را خوب می داند، شروع کرد از آقای حاج محمّد حسن نجفی سرکنسول

۱. ذکرش در سه سفرنامه، طور سینا / ۱۳۰ آمده است.

تعریف کردن، و اینکه ایشان مشغول خدمت به زائران اباعبدالله الحسین علیه السلام است و ارزش خدمتگزاران به این آستان مقدس فراوان است.

به او گفتم: البته که چنین است. آنگاه پدر کنسول مرحوم آیه الله آقای حاج شیخ محمّدباقر نجفی رحمته الله و جدش مرحوم آیه الله العظمی آقای حاج شیخ جمال الدین نجفی رحمته الله را که از مراجع عالیقدر بوده اند معرفی کردم و گفتم: البته شایسته است از چنین پدری و جدی چنین فرزندی قابل و کاردان و خدوم به وجود آید.

پس از آن جناب سرکنسول گزارشی از وضعیت صاحب این قلم در اصفهان بیان کرد و من نیز جلد چهارم کتابم *الآراء الفقهية - قسم البیع (۱)* را به وی تقدیم کردم. دستور داد برای حاضرین یک درّ نجف به رسم هدیه آوردند.

وی به نجف علاقه ویژه ای دارد و از مولدات (ژنراتورهای) برقی گفت که به همت او در نجف اشرف کار می کند و در ساعاتی که برق دولتی قطع است به چند هزار خانه برق مجانی می دهد.

پس از آن از وضعیت دولت مردان عراق شکایت کرد که برخی از آنها بنام شیعه هستند، اما از نواصب نیز بدترند.

در این ملاقات من و فرزندم علی و آقای محمّد حسن نجفی - سرکنسول ایران در نجف اشرف - و فرزندشان حجة الاسلام آقای حاج شیخ جمال الدین نجفی و آقای حسن فاضل و شیخ محمّد کرباسی و همراهان آقای سرکنسول حاضر بودند.

ساعت از ۱۰ شب گذشته بود که از منزل وی خارج شدیم و به قصد منزل آیه الله شیخ محمّد امین مامقانی<sup>۳</sup> به طرف بیت ایشان رفتیم. دامادش شیخ محمّد کرباسی راهنما بود.

همه کسانی که در ملاقات قبلی حاضر بودیم در این ملاقات نیز حضور داشتند.

۱. شرح حال وی را نگر در: اعلام اصفهان ۷۶/۲، گلشن اهل سلوک ۲۰/۱، طبع دوم.

۲. شرح او را نگر در: نقباء البشر ۳۰۸/۱، مکارم الآثار ۲۶۱۳/۷، تاریخ علمی و اجتماعی اصفهان در دو قرن اخیر ۶۸/۳ و اعلام اصفهان ۳۶۷/۲، گلشن اهل سلوک ۱۸۵/، طبع دوم، دانشمندان و بزرگان اصفهان ۱/۴۵۱، سیری در تخت فولاد اصفهان ۹۳/، زندگانی آیه الله چهارسوقی ۱۵۴/، تاریخ اصفهان (جایی)، ۳۲۶/، رجال اصفهان (دکتر کتابی) ۲۰۰/۱، زندگینامه رجال و مشاهیر ایران ۱۹۰/۱، گنجینه دانشمندان ۲۳۵/۳، نسب نامه الفت /مخطوط.

۳. در سه سفرنامه، طور سینا ۱۴۹/ از وی یاد شده است.

ایشان را به اصفهان دعوت کردم. گفت: بعد از سقوط صدام دو بار به مشهد مقدس آمده است و قصد دارد به اصرار مردم مامقان سفری را به آنجا که در نزدیکی تبریز و ۳۰ کیلومتری آن است برود.

گفتم: شایسته است در این بین نیز دیداری از اصفهان داشته باشید. از وضع تدریسش در نجف پرسیدم، گفت: دو درس فقه و اصول را پی در پی پیش از ظهر القاء می‌کند و مشغول دوره دوم اصولش است. کتاب اصولش و کتابی را که در عقاید نوشته است درخواست کردم، گفت: ارسال می‌کنم.

محل درسش در بیرونی‌ای است که چند صد متری منزلش تهیه نموده و ۱۶ لحد نیز در آن آماده کرده و پدر و مادرش را هم در آن دفن نموده است؛ چون مقبره خانوادگی وی (مامقانی) در طرح توسعه حرم در زمان رژیم سابق از بین رفته است. در هر صورت بعد از نصف ساعتی که با ایشان سخن گفتیم و جلد چهارم الآراء الفقهیه را به ایشان اهداء کردم، از محضرش خارج شدیم. جناب سرکنسول لطف کرده ما را به هتل محل اقامتمان رساندند. به هتل که رسیدیم نیمه شب بود و استراحت کردیم.

سه‌شنبه ۱۳۹۰/۲/۶ = ۱۴۳۲/۵/۲۲

پگاه به حرم مشرف شدم و نماز صبح را در صحن امیرالمؤمنین علیه السلام برای بانوان امامت کردم.

همسرم نیز که خودش را به حرم رسانده بود از اولین کسانی بود که در پشت سرم نماز خواند. پس از آن امیرالمؤمنین علیه السلام را زیارت نمودم و به هتل بازگشته صبحانه را صرف کرده، عازم مسجد کوفه شدیم. در راه میثم تمار از خواص اصحاب امیرالمؤمنین علیه السلام را زیارت نمودیم. چون مرقد وی در حال بازسازی بود، فقط توانستیم از داخل صحن حرمش او را زیارت کنیم.

داخل مسجد کوفه شدیم. به پیشنهاد حقیر، مدیر یکی از اعراب دعاخوان راهنمای مسجد را آورد تا هم راهنمایی کند و هم دعاهای مقامات را پس از نمازها

بخواند. به دقت همه اعمال و ادعیه انجام شد.

در پایان اعمال می‌گفت: هرکس می‌خواهد اعمال مسجد کوفه را برایش انجام دهند، مبلغ ۲۰۰۰ تومان به همراه اسم منوّب عنه بدهد تا نایی برای او این اعمال را انجام دهد. لازم به یادآوری است که حداقل این اعمال ۲ ساعت طول می‌کشد. حقیر با علم به اینکه این اعمال انجام نخواهد شد و پول آن فقط به عنوان صدقه تلقی می‌گردد، به جهت مرحوم والد و همچنین عیال که بیمار بود و نیامد، پول دو نفر را پرداخت کردم. من که پول دادم، اهل کاروان نیز دست به جیب شدند و هرکدام دو یا سه نفر پرداخت کردند، گویا مخارج چند روزش تأمین شد.

در پایان سفیر الحسین علیه السلام مسلم بن عقیل بن ابی طالب را در کنار مسجد کوفه و پس از وی، مختار بن ابی عبیده ثقفی - که انتقام‌گیرنده از قاتلان امام حسین علیه السلام است و خشنودی اهل بیت علیهم السلام را از این جهت فراهم کرده است - زیارت کردیم.

پس از آن از پشت دیوار حرم هانی بن عروه وی را از داخل مسجد کوفه زیارت نمودیم. چون حرم او نیز در حال بازسازی بود و بسته.

نماز ظهر و عصر را با یکی از سادات آل حکیم تماماً در مسجد کوفه نزدیک محراب امیرالمؤمنین علیه السلام خواندیم. عجیب است ایرانی‌ها که به روحانیون خودشان چیزی نمی‌دهند، در این شهرها که می‌روند دست به جیب می‌شوند و...

محراب امیرالمؤمنین علیه السلام را نیز زیارت کردیم و از مسجد کوفه بیرون آمدیم. در کنار مسجد از منزل امیرالمؤمنین علیه السلام نیز دیدن نمودیم. در سال‌های گذشته آن را به طور اساسی تعمیر کرده‌اند. به هتل بازگشتیم و پس از صرف ناهار استراحت کردم.

شب‌هنگام آقای شیخ محمد کرباسی با ۴ جلد کتاب **بشری الأصول** از پدرزنش آیه‌الله شیخ محمدامین مامقانی به همراه کتاب **عقیدتنا** از همو به دیدنم آمد.

با او مشغول گفتگو بودیم که جناب آقای حاج محمد حسن آقا محیی‌الدین نجفی سرکنسول ایران در نجف اشرف به همراه فرزندش حجة الاسلام شیخ جمال‌الدین به دیدن من و مادرم که دخترعمه اوست آمد.

آنها را به شام دعوت کردم و شام صرف شد. قدری گفتگو کردیم و آنها رفتند. به اتاقم رفته بودم که مدیر داخلی هتل آمد و گفت مهمان دارم. به ورودی هتل

بازگشتم، دیدم شیخ احمد پسر شیخ عباس کاشف الغطاء به همراه شیخ علی پسرعمویش به دیدن من آمده‌اند.  
قدری نیز با آنها نشستیم. شب از نیمه گذشته بود که مجدداً به اتاق برگشتم و استراحت کردم.

### چهارشنبه ۱۳۹۰/۲/۷ = ۱۴۳۲/۵/۲۳

صبحگاه نماز را در حرم خواندیم و امیر علیه السلام را به زیارت و داع زیارت نمودیم.  
به هتل بازگشته ساک‌ها را بار زده صبحانه خوردیم و حوالی ساعت ۹ صبح عازم کربلای معلی شدیم.

در راه کربلا در مسیب، ابراهیم و محمد فرزندان مسلم بن عقیل را در کنار شط فرات زیارت نمودیم.

اما در این سفر مرقد منسوب به عون بن عبدالله بن جعفر را زیارت نکردیم. در طور سینا<sup>۱</sup> درباره‌ی وی مطالبی را نگاشته‌ام. اکنون تصحیح می‌کنم که برخی<sup>۲</sup> بر این اعتقادند که وی عون بن عبدالله بن جعفر بن مرعی بن علی بن الحسین البنفسج از نوادگان عبدالله المحض است.

او سیدی جلیل بوده است که در کربلا زندگی می‌کرده و مزرعه‌ای در چند فرسخی آن داشته است که برای رسیدگی به امورش آنجا می‌رفته و در همان‌جا نیز فوت کرده و قبرش در همان مزرعه‌اش قرار دارد.

ظهر به کربلا رسیدیم. نماز و ناهار را در فندق جرش<sup>۱</sup> واقع در انتهای شارع العباس علیه السلام نزدیک محطه الوادی القديم خواندیم. این هتل از هتل‌های درجه یک کربلا است.

بعد از ظهر ساعتی خوابیدم و عصر با ماشین‌های هتل به سمت حرم روانه شدیم. نزدیک حرم امام حسین علیه السلام سمت قبله از ماشین پیاده شده و به همراه مادر و

۱. سه سفرنامه، طور سینا / ۱۴۱.

۲. مانند شیخ محمد حرزالدین در مرآة المعارف، ۱۴۱/۲ و سید عبدالستار حسنی بغدادی که در تاریخ العراق قديماً و حديثاً / ۱۲۸ از وی نقل می‌کند و عبدالامير قريشي در المرآة و المقامات في كربلاء / ۸۱

همسر و علی و آذر ابتدا عازم زیارت ابوالفضل العباس علیه السلام باب الحسین علیه السلام شدیم و پس از زیارت او و کسب اجازه از وی، به زیارت پیشوای آزادگان و سید شهیدان اباعبدالله الحسین علیه السلام مشرف شدیم. آقا و دو فرزندش علی اکبر و اصغر را زیارت نمودم.

ساعتی در کنار حرم امام حسین علیه السلام زانوی ادب بغل گرفتم و اندیشیدم. اندیشه‌ای که امید دارم در دنیا و آخرت به کار آید و افضل از عبادت هفتاد سال باشد. حبیب بن مظاهر اسدی شهید موی سپید عاشورا و بقیه شهدای این روز را نیز زیارت کردم.

پس از آن ابراهیم مجاب فرزند محمد عابد فرزند موسی بن جعفر علیه السلام جدّ سیدین مرتضی و رضی را نیز زیارت کردم. لازم به یادآوری است که مرقد این دو هم در کنار جدشان است.

البته هر دو بعد از امانت گذاشته شدن در کاظمین به این مکان منتقل شده‌اند و بنابراین ضریح و بنای این دو در کاظمین، محل امانت آنهاست نه مرقد فعلیشان. نزدیک غروب به صحن آمدم. نماز مغرب و عشاء را با آیه الله آقای سید مرتضی قزوینی حفظه الله تعالی خواندم، سپس به هتل بازگشته، شام خوردم و استراحت کردم.

### پنج‌شنبه ۱۳۹۰/۲/۸ = ۱۴۳۲/۵/۲۴

نماز صبح را در هتل اقامه کردیم. بعد از صبحانه به زیارت رفتیم. بعد از زیارت اباعبدالله الحسین علیه السلام و ابوالفضل العباس علیه السلام به دفتر نمایندگی سازمان حج و زیارت و دیدار سرپرست آن در کربلای معلی رفتیم. آقای سرکنسول خبر آمدن ما را به وی داده بود. به گرمی استقبال کرد. قصد داشتیم بلیت برگشتمان را تعویض کنیم و چند روز اضافه بمانیم، گفت: ممکن نیست؛ زیرا بلیت چارتر است و باطل می‌شود. بهتر است این سفر را با بازگشت تکمیل کنید و مجدداً در سفر دیگری عازم شوید.

پیشنهادش را پذیرفتم. در بازگشت چند جلد کتاب از کتابفروشی داخل در صحن حضرت ابوالفضل علیه السلام خریده بودم که تحویل گرفتم و عازم هتل شدیم. امروز صبح آقای حسن فاضل مرا همراهی می‌کرد.

ظهر به هتل رسیدیم و ناهار خوردیم و قبل از آن نماز خواندیم. ساعتی استراحت کردم. امشب شب جمعه و شب زیارتی امام حسین علیه السلام است، عصرگاه عازم حرم شدیم.

دو کتاب نقد فلسفه داروین و الآراء الفقهية ج ۴ را به رسم هدیه به کتابخانه حرم امام حسین علیه السلام تقدیم کردم.

به حرم ابوالفضل العباس علیه السلام رفتیم. در کتابخانه عتبه عباسیه جناب حجة الاسلام آقای سید نوری موسوی کربلایی مدیر آن را که از دوستان است زیارت کردیم. همان دو کتاب قبلی را نیز اینجا به رسم هدیه تقدیم نمودم.

آقای سید نوری نیز جلد اول فهرست کتب خطی کتابخانه عتبه عباسیه را که تازه از چاپ خارج شده بود، به حقیر هدیه نمود. این کتاب تألیف حجة الاسلام آقای سید حسن بروجردی است که در طور سینا<sup>۱</sup> از آن سخن گفتیم.

هنگام اذان گفتند که آیه الله آقای سید رضی مرعشی فقط شب های جمعه از نجف اشرف به کربلا می آید و در صحن عباسی امامت می کند. ایشان حدود ۷۰ سال سن دارد.

سید نوری برای نماز جا گرفته بود که توسط کارکنان مکتبه در اختیار حقیر قرار گرفت و نماز مغرب و عشاء را به امامت ایشان در صحن عباسی خواندیم. آقای سرکنسول و فرزندش را نیز در نماز دیدم.

وی یکی از آرزوهایش را زیارت شب جمعه کربلا و این نماز می داند. پس از اقامه نماز عشاء که امام نیز قصراً اقامه کرد، به سرکنسول گفتم: به حرم می روم و بعد جهت دیدار شما به کتابخانه باز می گردم.

ابوالفضل العباس علیه السلام را بعد از نماز زیارت کردم و به کتابخانه عباسی واقع در گوشه صحن آدمم. آقای سرکنسول و فرزندش شیخ جمال الدین نیز آمدند و ساعتی با آنها و آقای سید نوری کربلایی مدیر محترم این کتابخانه مأنوس بودم.

پس از آن آنها رفتند و من نیز عازم زیارت اباعبدالله الحسین علیه السلام شدم. مولایمان را شب جمعه زیارت کردیم و به هتل بازگشته شام خوردیم و به امید رحمت و عفو

۱. سه سفرنامه، طور سینا / ۱۴۶.

الهی و مغفرت ذنوب و شفاعت امام حسین علیه السلام تن به خواب سپردیم، در حالی که همسر و مادرم و آذر و علی برای تهجد و شب زنده‌داری و عبادت و زیارت به حرم امام حسین علیه السلام مشرف شدند.

### جمعه ۱۳۹۰/۲/۹ = ۱۴۳۲/۵/۲۵

به علت دوری هتل، نماز صبح را در منزل خواندم و پس از آن قدری استراحت کردم. حوالی ساعت ۸ صبح صبحانه خوردم و عازم حرم شدم. هر دو عتبه عباسیه و حسینیّه را زیارت کردم پیش از ظهر به منزل بازگشتم و به جهت بازگشت وسایلم را جمع کرده، غسل جمعه و توبه و زیارت ابی عبدالله الحسین علیه السلام را انجام دادم. نماز ظهر و عصر را در هتل خواندم. عصر به حرم مشرف شدم و با خواندن زیارت وداع ابی الفضل العباس علیه السلام و امام حسین علیه السلام به هتل بازگشته، شام خوردم و استراحت کردم.

### شنبه ۱۳۹۰/۲/۱۰ = ۱۴۳۲/۵/۲۶

نماز صبح را در هتل خوانده و عازم شهر سامرا شدیم. از کربلا باید به بغداد و از آنجا به سامرا برویم. حوالی ساعت ۹ صبح بود که به شهر سامرا رسیدیم. قدری راه را باید پیاده طی می‌کردیم تا به حرم برسیم. ساعت حدود ۱۰ بود که در حرم بودیم. زیارت امامین هادیین عسکریین علیهم السلام را انجام دادم. همچنین مرقد نرجس خاتون مادر امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف و حکیمه خاتون دختر امام جواد علیه السلام و عمه امام حسن عسکری علیه السلام را زیارت کردم. پس از آن به سرداب مقدس رفتم. قسمت عمده‌ای از زیر صحن را تخلیه کرده و به سرداب مقدس افزوده‌اند. چند رکعت نماز نیز در آنجا خواندم. در راه رفت و بازگشت از حرم باران می‌بارید. آن را به فال نیک گرفتم و نشانه استجاب دعاها و قضای حاجات و غفران ذنوب و شفاعت مقبوله. ان شاء الله تعالی اما نکته‌ای که در حرم عسکریین علیهم السلام انسان را آتش می‌زند، دو بار انفجار<sup>۱</sup> در این

۱. ر.ک: سه سفرنامه، طور سینا / ۱۳۸.

حرم مطهر و منزل موروثی امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف است. اکنون بعد از به پایان رسیدن سفت‌کاری، مشغول آینه‌کاری دیوارها و طاق و ایوان‌ها بودند.

من نمی‌دانم این چه آیین میان‌تهی و بی‌محتوایی است که تخریب حرم‌های مطهر ائمه معصومین علیهم‌السلام را واجب می‌داند؟ و از این حرم‌های مطهر چه ضرری به آنها رسیده است که منهدم کردن آنها را واجب عینی می‌داند؟ این چه بی‌عقلی است که گمان می‌کنند اگر بر فراز قبری سقفی باشد شرک به خداوند تبارک و تعالی خواهد بود؟ آیا این بی‌خردی و فرار از عقل نیست؟ مگر نه این است که رسول اعظم صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم در حجره خودشان دفن شدند که مسقف بود و همواره نیز این سقف تعمیر شده است، تا جایی که در قرن‌های گذشته به قبه الخضراء تبدیل شد و البته هیچ‌کس از صحابه و مسلمانان و فقهای مذاهب هم به آن اعتراضی نکردند و نمی‌کنند؟!

این چه بی‌خردی است که داشتن قبه - گنبد - را شرک و کفر تلقی می‌کند؟ مگر نه این است که ابن خلّکان در شرح حال امام علی بن الحسین زین العابدین علیه‌السلام چنین نقل می‌کند: «انّه توفّي في السنة الرابعة و التسعين، و دفن في قبر عمّه الحسن علیه‌السلام في القبة التي فيها قبر العباس»<sup>۱</sup>؛ و شبیه این بیان را نیز در شرح حال امام باقر علیه‌السلام می‌گوید. از این سخن معلوم می‌شود که قبر عباس عموی پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم دارای قبه - گنبد - بوده است. گنبدی که در قرن اول هجری و در مرآی و منظر صحابه، کرام و تابعیتین عظام ساخته شده و احدی مناقشه نکرده است.

ابن خلّکان در شرح حال امام موسی بن جعفر علیه‌السلام نیز از خطیب بغدادی<sup>۳</sup> نقل می‌کند: «إنّ الكاظم علیه‌السلام دفن في مقابر الشونيزيين [أي مقابر قریش] خارج القبة؛ و قبره هناك مشهور يُزار، و عليه مشهد عظیم فيه القناديل و أنواع الآلات و الفُرُش ما لا يُحدّد»<sup>۴</sup>. از این بیان دو امر روشن می‌شود:

۱. در مقابر شونیزیین - قریش - گنبدی قرار داشته است که امام کاظم علیه‌السلام را در

۱. وفيات الأعيان ۲۶۳/۳، رقم ۴۲۲.

۲. وفيات الأعيان ۱۷۴/۴، رقم ۵۶۰.

۳. وفيات الأعيان ۳۱۰/۵، رقم ۷۴۶.

۴. تاریخ بغداد ۳۳/۱۳.

سال ۱۸۳ هـ ق در بیرون آن دفن کردند؛ و این یعنی وجود گنبد در قرن دوم هجری.  
۲. برای امام کاظم علیه السلام نیز قبه‌ای - گنبدی - جداگانه ساخته شده که در آن قنادیل و آلات و فرش‌ها قرار داشته است، و معلوم است که قنادیل را نمی‌توان به هوا آویزان کرد.

۳. این ساختمان روی قبر امام کاظم علیه السلام دست‌کم در قرن سوم هجری بوده است؛ چون ولادت خطیب بغدادی سال ۳۹۲ ق است.  
علامه آیه‌الله محمدعلی غروی اردوبادی در رساله‌ای که در نقد فتوای وهابیین در خراب کردن قبور نوشته است می‌گوید:

«وقد روی فی عمدة الطالب<sup>۱</sup> و حبيب السیر و کامل ابن الأثیر: أنّ فی القرن الثانی فی أيام هارون الرشید بنيت قبة علی قبر علی عليه السلام».

و قال الثقفی: «إنّ الرشید بنی علیه بنیاناً بأجر أیض»<sup>۲</sup>.

و روی فی حیاة الحیوان<sup>۳</sup> فی ذکر الفهد عن ابن خلکان: «أن هارون حجّر قبر علی عليه السلام [أي بنی علیه حجرة]»<sup>۴</sup>.

در هر حال خشک‌مغزی این قوم تکفیری، خشن، تروریست، مزدور بیگانگان، هم‌پیمان با صهیونیسم جهانی و هم‌داستان با دشمنان قسم خورده اسلام مطلب تازه‌ای نیست. از این نیز بگذریم؛ چرا که العاقل تکفیه الإشارة.

پیش از ظهر از حرم سامراء خارج شدیم و به سمت «بلد» واقع در یک فرسخی سامرا حرکت کردیم. در آنجا سید محمد بن امام علی الهادی علیه السلام را زیارت نمودیم و نماز ظهر و عصر را نیز همانجا اقامه کردیم. سپس ناهار خوردیم و به قصد کاظمین حرکت کردیم.

عصر دو ساعتی به غروب آفتاب به کاظمین و حرم مطهر امامین موسی بن جعفر الکاظم علیه السلام و محمد بن علی الجواد علیه السلام رسیدیم. وضو ساخته به حرم مشرف شدیم و زیارتی نمودیم.

۱. عمدة الطالب / ۶۳.

۲. الغارات ۸۶۳/۲، الباب الثالث عشر.

۳. حیاة الحیوان الکبری، ۸۵/۲.

۴. رساله در رد هدم قبور / ۲۰، طبعت فی شعبان سنة ۱۳۴۵ فی المطبعة العلویة فی النجف الأشرف فی ۲۴ صفحة.

شیخ عبدالحقّ بن سیف الدّین دهلوی بخاری (م ۱۰۵۲) در اللّمعات فی شرح المشکاة گوید: «قال الإمام الشافعی: قبر موسى الكاظم تریاق مجرّب للإجابة والدعاء به».<sup>۱</sup> زیارتی و دعایی و حوائجی و شفاعتی و طلب مغفرتی و... حالتی رفت که محراب به فریاد آمد.

مقبره شیخ مفید و استادش ابن قولویه و خواجه نصیرالدّین طوسی و فرهاد میرزا را به علی نشان دادم.

در صحن کاظمی دو نماز جماعت برگزار می شد: یکی منسوب بود به هواداران آقای سیستانی و دیگری به پیروان سید مقتدی صدر.

هنوز از نماز عشاء فارغ نشده بودیم که باران خط استوایی شروع شد. گویا درهای رحمت الهی گشوده شده بود و پایان زیارت و سفر ما را به قبولی و مغفرت بشارت می داد.

حدود ساعت ۱۰ شب به هتل سدیر واقع در بغداد رسیدیم. هتلی کهنه و فرسوده با طبقات متعدد و آسانسور خراب و اتاق‌های کثیف و کادر پذیرایی ناکارآمد و مدیریتی بدتر از آن. به هر حال پایان سفر بود و چند ساعت بیشتر آنجا نبودیم و ارزش اعتراض نداشت، تحمل کردیم.

تنها حُسن آن، وجود دکتر در آنجا بود که چون علی بیمار بود او را نزد دکتر بردم و نسخه‌ای داد که قدری مؤثر واقع شد.

حوالی نیمه شب چند ساعتی تا اذان صبح خوابیدم.

### یکشنبه ۱۳۹۰/۲/۱۱ = ۱۴۳۲/۵/۲۷

پس از انجام فریضه صبح و خوردن صبحانه، با عجله عازم فرودگاه بغداد شدیم. بعد از حدود سه ساعت و رد شدن از بازدیدهای مختلف بدنی و باری که از جلویمان سگ‌های آمریکایی رژه می رفتند و بو می کشیدند که نفرت انگیز بود، وارد سالن فرودگاه بغداد شدیم.

۱. نقل عنه فی: الوهابیون و البیوت المرفوعة ۵۷/ للشیخ محمد علی بن الحسن الهمدانی السنقری الکردستانی (م ۱۳۷۸)، طبع دوم ۱۴۱۸ق.

از غنائم این سفر همراهی آقای مهدی ناجی اصفهانی ابن محمّد مولود ۱۳۱۴ش بود. وی پدر آقای دکتر حامد ناجی اصفهانی محقق کتاب نقد فلسفه داروین جدّ است.

پرواز که می‌بایست ساعت ۸/۵ صبح انجام می‌شد، حدود ساعت ۱۲ انجام شد و دارالسلام بغداد را به قصد پایتخت فرهنگی ایران اسلامی دارالمؤمنین اصفهان ترک کردیم.

ساعت حوالی ۴ یا ۵ بعدازظهر بود که به فرودگاه اصفهان رسیدیم. نماز ظهر و عصر را در فرودگاه اصفهان قصرأ خواندیم.

و ساعتی به غروب آفتاب مانده صحیح و سالم به خانه رسیدیم. سفری بود در وادی مقدّس اعقاب ائمه مدفون در عراق عليه السلام، امیرالمؤمنین عليه السلام و امام حسین سید الشهداء عليه السلام و کاظمین جوادین عليه السلام و هادیین عسکرین عليه السلام که به خوبی و خوشی انجام شد و در آن استجابات دعوات و مغفرت ذنوب عظام را امید دارم. ایدون باد!

نگارش این سفرنامه چون در روزهای آخر سفر شروع شد قدری به تأخیر افتاد، و سطور پایانی آن در روز ۲۷ رجب المرجب ۱۴۳۲ سالروز بعثت رسول اعظم خاتم الأنبياء و المرسلین صلى الله عليه وآله در جوار بارگاه ملکوتی سلالة پاکش و عالم دودمانش و هشتمین جانشین بر حقش امام رؤوف علی بن موسی الرضا علیه آلاف التحية و الثناء در مشهد مقدّس، و در ساعات آخرروز پنج‌شنبه ۹ تیرماه ۱۳۹۰ به دست مؤلف آن هادی نجفی به انجام رسید.

والحمد لله اولاً و آخراً و ظاهراً و باطناً. و صلی الله علی سیدنا محمّد و آله الطیبین الطاهرین المعصومین.